

نیز شرط شده است، به این شرح: «عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن، مشروط بر اینکه سبب حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم مغایر موازین شرعی نباشد.» در این بند از ماده قانون، قانونگذار به شروط و مفاهیمی استناد کرده است که عاری از ابهام نیست. تحلیل ماده مذکور به روشن شدن موضوع کمک خواهد کرد:

### عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن

عملیات ورزشی چیست و چه تعریفی از آن شده است؟ تعریف عملیات ورزشی مستلزم تعریفی از ورزش است که مفهومی حقوقی به شمار نمی‌رود. ولی مقصود از عملیات ورزشی، اعمال یا کارهای ورزشی و یا همان ورزشی است که ورزشکاران به آن اشتغال دارند. ورزش نیز به مجموع حرکات بدنی با هدف تقویت قوای جسمانی و رسیدن به حدی از قابلیت و توانایی برتری‌جویی در رقابت با دیگری گفته می‌شود به شرطی که عرف آن را ورزش بشناسد. قواعد عرفی هر ورزش نیز اگر به صورت مقررات آن به تصویب مراجع صالح رسیده باشد آن ورزش قانوناً رسمیت می‌یابد، با این شرط که شرع با آن مخالفتی نداشته باشد.

اما درباره «حوادث» جمع حادثه، با توجه به سیاق بند ۱۵۸ ماده به نظر می‌رسد آنچه از نظر قانونگذار جرم محسوب نمی‌شود پیش آمدهای ناگوار و عواقب بازی‌های ورزشی نظیر جراحات و شکستگی‌های اتفاقی است. در حالی که مراد قانونگذار تنها نتایج سوء ناشی از عملیات ورزشی نیست، بلکه نفس اعمال مذکور مانند ضرباتی که بازیکنان در بازی مشت‌زنی یا ورزش‌های رزمی مبادله می‌کنند نیز جرم نیست، ولو صدمه‌ای به ورزشکار وارد نشده باشد. حوادث ناشی از عملیات ورزشی اعم است از صدمات جسمانی مانند جراحات، قطع عضو یا مرگ و دیگر زیان‌های مالی مانند خسارت به اتومبیل یا دوچرخه در ورزش‌های اتومبیل‌رانی، دوچرخه سواری و مانند آن‌ها که باید به

ورزشکاران  
کسانی غی  
وارد می‌ش  
قانون مد  
نبودن حو  
رضایت و  
که این رض  
افزون  
فعالیت‌های  
ورزش جز  
اثناى ورزش  
حساب نمی  
عدم نق  
مقررات  
آن عموماً  
ضرورت‌ها  
داوران و نا  
ورزشکاران  
ورزش نباشد  
والیبال در م  
مطمئن  
رعایت م  
پیشی از این  
مانند س



ورزشکاران وارد شده باشد. مسؤولیت حوادثی که در نتیجه عملیات ورزشی به کسانی غیر از ورزشکاران مانند تماشاگران و یا داوران و مربیان در ضمن بازی وارد می شود در حدود تقصیرات آنها بر طبق مقررات قانون مجازات اسلامی و قانون مدنی قابل بررسی است. دلیل آن نیز روشن است. زیرا، شرط ضمنی جرم نبودن حوادث مذکور که در این بند از ماده ۱۵۸ به آن تصریح نشده، همان رضایت ورزشکاران و پذیرفتن آثار احتمالی فعالیت های ورزشی است. در حالی که این رضایت در غیر ورزشکاران و خارج از روابط ورزشی وجود ندارد.

افزون بر آن، هم چنانکه از ماده مذکور بر می آید، این حوادث باید در اثنای فعالیت های ورزشی اتفاق بیفتد. یعنی فعل موجد حادثه مطابق مقررات خاص آن ورزش جزء حرکات ورزشی تلقی گردد. بنابراین، ضربه مشت که کشتی گیر در اثنای ورزش کشتی به صورت حریف وارد می کند حرکت خاص این ورزش به حساب نمی آید.

### عدم نقض مقررات ورزشی

مقررات خاص هر ورزش قانون آن ورزش به شمار می رود و هدف از وضع آن عموماً کاستن از میزان خطرها و محدود کردن حرکات ورزشی در مرز ضرورتها است. نظارت بر حسن اجرای مقررات ورزشی به عهده مربیان، داوران و ناظران هر ورزش است که با تذکر و اخطار، لزوم مراعات آن را به ورزشکاران گوشزد می کنند. اصولاً، عملیات ورزشی اگر تابع مقررات خاص آن ورزش نباشد مشمول معافیت مذکور در ماده ۱۵۸ نیست. مانند بازی فوتبال یا والیبال در معبر عام بدون نظارت مربی و عدم استفاده از وسایل ورزشی مجاز و مطمئن.

رعایت مقررات مربوط به هر ورزش وظیفه تنها ورزشکار نیست، بلکه اجرای بخشی از این مقررات نظیر قواعد ایمنی ممکن است جزء وظایف کسان دیگر مانند سازمان دهندگان و مسؤولان هر ورزش باشد. بنابراین، اگر حوادث ناشی از



عملیات ورزشی به سبب تخطی مدیران و سایر مسئولان ورزشی از مقررات باشد، تقصیری بر عهده ورزشکار ثابت نیست، ضمن آنکه مسؤولیت این حوادث متوجه مدیر یا فرد خطاکار است. برای مثال، اگر استقرار تماشاگران در محوطه پرتاب وزنه یا نیزه و یا دیسک به گونه‌ای باشد که آن‌ها را در معرض خطر اصابت قرار دهد، حوادث احتمالی ناشی از ورزش‌های مذکور علیه مسبب آن قابل تعقیب کیفری است.

### عدم مخالفت مقررات ورزشی با موازین شرعی

منظور از «موازین شرعی» در این ماده از قانون، مسلماً قواعد شریعت اسلام است که برطبق آن پرداختن به بعضی از بازی‌ها و ورزش‌ها و یا استفاده از بعضی شیوه‌ها در ورزش مجاز نیست. اما در این باره که چه بازی‌ها و ورزش‌هایی از نظر موازین شرعی مجاز و کدام یک غیرمجاز است و ملاک در تشخیص این دو چیست؟ همین اندازه می‌توان گفت که اسلام با آن دسته از ورزش‌ها و رقابت‌های ورزشی که مستلزم ایذاء نفس یا ایذاء غیر است مخالف است.<sup>۱</sup> به عکس، با ورزش‌هایی که موجب تقویب جسم و شادابی روح و به طور کلی سودمند است مخالفتی ندارد. امروزه، با وضع مقررات خاص، نظارت بر تمرین‌ها و بازی‌های ورزشی، حوادث ناشی از این گونه فعالیت‌ها در حد اتفاق‌های جزئی تقلیل یافته و ایمنی حرکات ورزشی در مواردی با تغییر سبک بازی افزایش نیز پیدا کرده است. برای مثال، بازی شمشیربازی به نظر نمی‌رسد به همان شیوه سنتی و با همان شمشیرهای بُرنده، امروز هم موافق شرع باشد. لیکن، پوشش و کلاه ایمنی و استفاده از شمشیرهای خاص، شمشیربازی را به یک ورزش مشروع و فرح‌بخش تبدیل کرده است.<sup>۲</sup>

۱. احمد بهشتی، مبانی تربیت بدنی در اسلام، ص ۲۰.

۲. برای اطلاع بیشتر درباره حقوق ورزشی بنگرید به: والتر تی. جامپیون جونیور، مبانی حقوقی ورزش‌ها، مسؤولیت مدنی در ورزش، ترجمه حسین آقائی‌نیا، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۶.



## ۴. دفاع مشروع<sup>۱</sup>

دفاع مشروع یا دفاع قانونی عبارت است از توانایی بر دفع تجاوز قریب الوقوع و ناحقی که نفس، عرض، ناموس، مال و آزادی تن خود یا دیگری را به خطر انداخته است. دفاع مشروع قدرتی بازدارنده با هدف جلوگیری از خطرهایی است که رهایی از آن جز با ارتکاب جرم ممکن نیست. ولی دفع و جلوگیری از خطرهای مذکور هیچ گاه نباید با انگیزه انتقام جویی و آزار و اذیت توأم باشد. از این رو، اعمال دفاعی از یک سو به شرط ضرورت و از سوی دیگر به شرط تناسب مقید شده است.

دفاع مشروع حق هر انسان به حفظ جان، مال و ناموس خود یا دیگری در موارد ضروری شناخته شده است. استیفای این حق به هنگامی جایز است که جامعه قادر به حمایت از جان، مال و ناموس انسان نباشد. لذا، دفاع مشروع وضعی استثنایی و تابع شروطی است که تخطی از آن تکالیف متقابلی برای مدافع به وجود می آورد.

دفاع مشروع از جمله جهاتی است که قانونگذار فعل ضروری را صراحتاً اجازه داده و وصف مجرمانه را از آن زدوده است. به همین دلیل، مدافع مشروع در چنین حالتی نه تنها مقصر نیست، بلکه ضامن خسارت‌ها یا صدمات وارد به دیگری نیز محسوب نمی شود.

### ادله دفاع مشروع

اسلام دفاع در ازای جلوگیری از تجاوز به نفس و ناموس و مال را برای هر مسلمانی با فرض توان و استطاعت یک فریضه می داند، هر چند این دفاع به کشته شدن مهاجم منجر گردد. درباره مهدور بودن خون مهاجم، در ابواب دفاع کتاب‌های فقهی به نصوص عدیده‌ای استناد شده است. از جمله در روایت

1. Légitime défense



منسوب به امام علی (ع) در مورد تجاوز به مال و جواز دفع تعرض آمده است: «إِذَا دَخَلَ عَلَيْكَ الْمُحَارِبُ فَأَقْتُلْهُ فَمَا أَصَابَكَ فِدْمُهُ فِي عُنُقِي» یعنی وقتی دزد مسلح بر تو وارد شد او را بکش، پس پیامد خونش که دامنگیرت می‌شود بر گردن من.

همچنین، نقل است که دفاع در برابر کسی که قصد جان و ناموس دیگری را کرده واجب است و تسلیم در مقابل او جایز نیست.<sup>۱</sup> تا جایی که اگر مدافع کشته شود مانند شهید است. در خبری از امام صادق (ع) نقل شده است: «مَنْ قُتِلَ دُونَ مَظْلَمَةٍ فَهُوَ شَهِيدٌ» یعنی کسی که در برابر ستمی که متوجه او شده پایداری کند و کشته شود شهید است. و این چنین است اگر کسی مانع بردن مال خود گردد. پس، جایز است به هر وسیله دفاع کند گرچه به هلاکت مهاجم منجر شود. و اگر غرض مهاجم عرض او باشد، تا ظن هلاک نداشته باشد واجب است که مدافعه نماید.<sup>۲</sup>

در دفاع نیز بنابر احتیاط واجب لازم است مدافع مراعات الاسهل فالاسهل را بنماید. مثلاً اگر مهاجم به فریاد کردن و آواز دادن منصرف می‌شود به همان اندازه اکتفا کند و اگر مؤثر واقع نشد با دست و چنانچه فایده نبخشید با چوب، پس به حربه.<sup>۳</sup>

و جوب دفع زیان از نفس نیز از بدیهیات عقلی است که شرع آن را تأیید می‌کند. پس اگر کسی با وجود توانایی، زیان را از خود دفع نکند به ندای فطرت خویش پاسخ نداده و سزاوار سرزنش است.

۱. ابوالحسن محمدی، حقوق کیفری اسلام، ترجمه حدود و تعزیرات، قصاص و دیات از کتب شرایع الاسلام محقق حلی و مسالک الافهام شهید ثانی، ص ۱۷۶.  
 ۲. محمد باقر مجلسی، حدود و قصاص و دیات، ص ۴۳.  
 ۳. محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۴، ص ۱۹۰۳.



## مبانی دفاع مشروع

درباره مشروعیت عمل مجرمانه حین دفاع، علمای حقوق نظریه‌های گوناگون بیان کرده‌اند. گروهی مبانی مشروعیت دفاع را اجبار معنوی پنداشته‌اند و معتقدند کسی که مورد تهدید قرار می‌گیرد به علت هیجان و اختلال اراده نمی‌تواند بر اعمال خود تسلط یابد و اجباراً به ارتکاب جرم مبادرت می‌کند. بر اساس این نظریه رفتار مجرمانه به هنگام دفاع تغییر ماهیت نمی‌دهد، بلکه به دلیل سلب اراده از مدافع قابل انتساب به او نیست. از این رو، معافیت مدافع از مجازات دلیل شخصی دارد و نه نوعی. این نظریه ممکن است در وضعی مانند دفاع از نفس خود موجه باشد، ولی در موقعیت دفاع از جان یا مال دیگری که حاکی از اختیار تام و اراده آزاد مدافع است مقبول نیست.

بر پایه نظریه دیگر علمای حقوق که ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی نیز ملهم از آن است، دفاع مشروع یک عامل موجه به شمار می‌رود. کسی که به دفع تجاوز می‌پردازد و در اثنای آن مرتکب جرم می‌شود حقی را ناگزیر اعمال می‌کند که قانوناً استیفای آن به عهده جامعه است. زیرا، اصولاً دفاع از جان یا مال شهروندان وظیفه‌ای است که به جامعه تفویض شده و قوای دولتی مأمور اجرای آن است. لیکن، چون توسل به این قوا در وضع اضطرار فردی میسر نیست و یا مداخله قوای مذکور ممکن است در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود، اشخاص خود می‌توانند به این مهم قیام کنند.

بعض حقوقدانان اعتقاد دارند که دفاع در برابر تعرض نامشروع نه تنها اعمال حق بلکه ادای یک وظیفه است. چه، در برخی موارد دفاع از فردی که درمقابل متجاوز به کمک نیازمند است، یک وظیفه اخلاقی و حتی قانونی است. در اسلام چنین دفاعی از مصادیق تعاون بر تقوی به شمار آمده است.

برخی از حقوقدانان حتی پا را از این مرحله فراتر گذاشته و اعلام داشته‌اند که ادای این وظیفه در جهت استقرار عدالت در جامعه و دفاع از آن نیز مفید است.